

تاریخ، علم ایمان

رموز نقل‌های تاریخی قرآن

دکتر جواد سلیمانی^۱

ریشه‌یابی نمایند، از آن‌ها عبرت گرفته و از چند راه‌های زندگی خویش با چراغ راهنمای تاریخ گذر کنند. چراغ فلسفه‌ی بازگو کردن محنت‌کشی‌ها و عزت‌چشی‌های یوسف صدیق، راهنمایی و پندگیری عقلا می‌باشد. این نشان می‌دهد در فرهنگ قرآن ارزنده‌ترین ثمره‌ی مطالعه‌ی تاریخ عبرت گرفتن از آنست. اساساً علوم بشری به دو دسته تقسیم می‌شوند برخی از علوم تنها با ذهن انسان سر و کار دارند یعنی بر گزاره‌های ذهنی انسان می‌افزاید، علوم‌ی مانند فیزیک، شیمی، ریاضیات و جامعه‌شناسی، مدیریت و بسیاری از علوم پایه، طبیعی و انسانی از این دست به شمار می‌آیند، ولی برخی از علوم علاوه بر اینکه ذهن انسان را بکار گرفته و بر دانش ذهنی انسان می‌افزایند، با قلب آدمی سر و کار داشته و باورهای انسان را تغییر می‌دهند، تاریخ در میان خانواده‌ی علوم بشری چنین نقشی ایفا می‌کند. زیرا با مطالعه‌ی داستان گذشتگان ذهن انسان تاریخی می‌شود و با تمام وجود طرفدار شخص یا گروهی و مخالف دیگری می‌شود و خواهان شکست برخی و پیروزی دیگران می‌گردد و بصورت ناخودآگاه به عنوان بازیگر تاریخ با گذشتگان همراه می‌شود، از افت و خیزهایشان درس می‌گیرد. و از اوج و حضیض‌شان تجربه می‌آموزد. از این رو تاریخ قفل دل انسان‌ها را می‌گشاید و بر بصیرت و ایمان انسان می‌افزاید و عامل محرک انسان در راه سعادت می‌گردد.

کم نبودند انسان‌هایی که خیر خویش را می‌شناختند و به راه و رسم سعادت خود عارف بودند لکن به مقتضای علم‌شان عمل ننموده و راه سعادت را نمی‌پوییدند اما تنها با شنیدن داستان زندگی عارفی صالح و یا فاجری طالح عبرت گرفتند و بی‌درنگ به هوش آمده و ره به صلاح بردادند، پس مطالعه سرگذشت ائمه دیروز و نورق صحیفه کهنه گذشتگان می‌تواند دل‌های مرده را زنده و غافله‌های بخواب رفته امروز را بیدار نماید. و موجبات فلاح و رستگاری جوامع کنونی را فراهم نماید. از این رو، بر امت پیامبر (ص) واجب است با هوشمندی، تدبر و نگاه فکورانه در پیشینه‌ی امت اسلامی درنگ کنند و همواره زمان خویش را با گذشته مقایسه کرده و در صفحات تاریخ، نسخه‌های مشابه عصر خویش را جستجو نموده، شرایط عهد خویش را با آن مقایسه نمایند و از آن عبرت آموخته، رمز موفقیت و شکست‌شان را بدست آورده، خطاهای آنان را تکرار ننمایند. براین اساس در شرایط کنونی شایسته است جامعه‌ی اسلامی ما بیش از پیش زوایای حکومت علی بن ابیطالب (علیه السلام) را مورد مطالعه قرار دهد و عوامل تزییف شدن اقتدار ایشان را مورد بررسی قرار دهد؛ چرا که حاکمیت و زمانه‌ی ما، همانند زمان حکومت علی (علیه السلام) است و راه عبور از فتنه‌های این دوران بصیرت و بردباری است چه اینکه امیرمؤمنان (ع) می‌فرمودند: «لا یحلمن هذا العلم إلا أهل البصر و الصبر»^۲ «این پرچم را کسی نمی‌تواند حمل کند مگر اینکه اهل بصیرت و شکیبایی باشد.» ■

پی‌نوشت:

۱- عضو گروه تاریخ موسسه امام خمینی (ره) ۲- یوسف/۳۱۱- نهج البلاغه، ج ۱۳

تاریخ سرگذشت زندگانی ماست اما در بستری دیگر، داستان حیات مردم امروز است لکن در روزگاری که گذشت، چرا که اسلاف ما هموعان ما هستند که چندی پیش از ما بر این کره خاکی می‌زیستند، لذا نگاه عمیق و دقیق به زندگی نامه آنان و ریشه‌یابی علل صعود و سقوط و کشف رموز سربلندی‌ها و سرفکندگی‌هایشان تجربه‌ی گرانی برای عمر کوتاه ماست. حجم زیادی از آیات قرآن مجید مربوط به نقل تاریخ زندگی پیامبران گذشته و اقوام آنان و بیان سرگذشت افرادی چون قارون و بلعم باغورا و ذوالقرنین و اصحاب کهف می‌باشد، جای بسی تأمل است که چرا آمار آیات تاریخی به مراتب افزون‌تر از آیات مربوط به ادله‌ی توحید و معاد است، تاریخ چه نقش کارساز و حیاتی در هدایت بشر دارد که خداوند متعال در یکتا کتاب تحریف نشده و بی‌همتا و هدایتگر خویش از آن مدد می‌جوید، و به این اندازه به نقل آغاز و انجام سرگذشت ائمه پیشین اهتمام می‌ورزد.

البته قرآن کریم در آخرین فراز سوره یوسف (ع) پس از نقل تلخ و شیرین زندگی آن حضرت و بیان نشیب و فرازهای عمر شریف آن پیامبر صدیق (ع) به این پرسش پاسخ داده است، فرمود: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۳ (براستی سرگذشت آنان برای عقلا مایه پند و عبرت است، سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق چیزی است که پیشتر بوده و روشنگر هر چیز و برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمت است.)

این آیه شریفه از دو راز مهم در مورد تاریخ پرده برمی‌دارد: نخست آنکه رمز نقل‌های زیاد از سرگذشت پیامبران و غیره خاصیت ویژه و مهم عبرت‌آموزی قرآن است، عبرت نوعی انفعال قلبی است نه فعالیت ذهنی، به دیگر سخن عبرت باورساز است و ایمان انسان را تقویت می‌کند و از آنجا که ایمان نیروی محرک آدمی است، نقش خطیری و هنر ممتاز تاریخ را در میان منظومه معارف و دانش‌های بشری روشن می‌کند. و معلوم می‌شود که خداوند متعال با یادآوری و ذکر سرگذشت پیشینیان برای بشر، باورهای حق را جُرحه جُرحه در چاله‌ی دل انسان‌ها می‌ریزد و از این رهگذر ایمان انسان را به خدا، پیامبران، عالم غیب و معارف حقه تقویت می‌کند، اگر در قرآن مجید ده‌ها پرهان در باب اثبات وجود خدا و توحید در ذات ربوبیت اقامه می‌شد، هرگز کارایی نقل داستان حضرت موسی (ع) در مواجهه با فرعون و یوسف در مواجهه با برادران حسودش را در ایمان به خدا و القای روحیه توکل و اعتماد به حضرت حق ندارد.

راز دومی که آیه‌ی شریفه بدان اشاره می‌کند، و با بیان آن معمایی را که برای اکثر آشنایان با تاریخ مطرح می‌شود حل می‌نماید این است که هرچند مطالعه، به ذهن سپردن و آموختن گزاره‌های تاریخی امری آسان و شیرین است، اما عبرت‌آموزی از تاریخ کاری ظریف و محتاج تدبیر و نگاه حکیمانه است، از این رو تنها صاحبان عقل ناب (به تعبیر قرآن اولی‌الالباب) می‌توانند با تیزبینی و دقت، فرازهای حساس تاریخ امت‌ها و اقوام پیشین را خوانده، علل پیروزی‌ها و رموز ناکامی‌های ایشان را

دو نگاه

اساساً علوم بشری به دو دسته تقسیم می‌شوند برخی از علوم تنها با ذهن انسان سر و کار دارند یعنی بر گزاره‌های ذهنی انسان می‌افزاید، علوم‌ی مانند فیزیک، شیمی، ریاضیات و جامعه‌شناسی، مدیریت و بسیاری از علوم پایه، طبیعی و انسانی از این دست به شمار می‌آیند، ولی برخی از علوم علاوه بر اینکه ذهن انسان را بکار گرفته و بردانش ذهنی انسان می‌افزایند، با قلب آدمی سر و کار داشته و باورهای انسان را تغییر می‌دهند، تاریخ در میان خانواده‌ی علوم بشری چنین نقشی ایفا می‌کند